

تصاویر/دامادی های سه گانه محمدرضا پهلوی

۱۸ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۵۲

تجمل گرایی یکی از آفت هایی بود که دربار پهلوی و به ویژه پهلوی دوم در آن غوطه ور بود، و این نوکیسه گان که با پول مردم به سرمایه ای عظیم دست یافته بودند و سرمایه کشور را از آن خود می دانستند از هیچ اسراف و چشم پوشی نمی نمود.

یکی از جنبه های اسراف و حیف و میل نمودن سرمایه کشور در دوره ی خاندان پهلوی، بی شک تهیه و تدارکات مراسم سه گانه ی ازدواج محمدرضا، این تحفه ی ملکه تاج الملوک آیرملو، همسر اول رضاشاه بود به نحوی که روح الله حسینیان می نویسد: محمدرضا سه مرتبه جشن عروسی برپا نمود و در هر سه بار برای اشیاع تجمل گرایی خود، بودجه ی هنگفتی از کشور را به مصرف رساند.

ازدواج با فوزیه

هنگام ازدواج شاه با فوزیه (فروردین ۱۳۱۷) مقادیری از «جواهرات سلطنتی پشتوانه ی اسکناس» را «برای برگزاری مراسم جشن و زینت خانواده ی سلطنتی» به امانت گرفتند تا دختران شاه خود را به آن بیارایند؛ ولی قسمتی از این جواهرات که به فوزیه و شمس پهلوی و دیگران داده شد، هرگز به بانک بازگردانده نشد. در مراسم عروسی از کلیه ی دولت ها دعوت به عمل آمد، نمایندگان شرکت کردند و ۶ روز سرتاسر ایران جشن و چراغانی برپا شد. طاق نصرت های مجلل در خیابان ها برافراشته شد. شاگردان مدارس برای پایکوبی به خیابان آورده شدند. حتی در دعوتنامه ای که برای شخصیت های کشوری ارسال نمودند، مشخص کردند که لباس خانم ها باید به رنگ سفید و دکلمه ی بی آستین باشد. در شب های قبل، خانم ها موظف بودند رنگ آستین لباسشان و بازو یکی باشد. به گفته ی ملکه ی مادر چون مسیر عروسی از بندر شاهپور (امام خمینی فعلی) تا راه آهن بود، «رضا دستور داد در مسیر راه آهن همه ی خانه های روستایی را رنگ سفید بزنند.» برای پذیرایی از آلمان چند نفر متخصص برگزاری میهمانی استخدام کردند و غذاها عموماً به سبک غذاهای اروپایی تهیه و سرو می شد. حتی برای زیبایی این عروسی «رضا دستور داده بود از آلمان بشقاب و لیوان و کارد و چنگال و کلی ظرف» خریداری شود. رضاشاه برای عظمت این عروسی از چند ماه قبل همه ی مملکت و دستگاه های دولت را موظف کرده بود وسایل برگزاری این جشن را فراهم کنند و به دستور وی در همه ی شهرهای بزرگ و کوچک مملکت جشن های فراوان برگزار شد.



ازدواج با ثریا اسفندیاری

دومین عروسی شاه؛ یعنی ازدواج با ثریا (بهمن ماه ۱۳۲۹) هم زمان با آغاز نهضت ملی شدن نفت بود. دربار چندان از آزادی عمل برخوردار نبود، با این حال این ازدواج نیز خالی از تجملات نبود.

برای ثریا پیراهنی تهیه شده بود که دنباله ی آن را چهار نفر حمل می کردند. این پیراهن با هزاران الماس مصنوعی تزیین شده بود. این پیراهن توسط یکی از خیاطان معروف فرانسه تهیه شده بود. برای ثریا، یک نیم تاج، چندین دستبند و گردنبندی از جواهرات خزانه درست شده بود. محمدرضا نیز با اونیفرمی مزین به طلا و نقره و انواع مدال ها، پیراق ها آستین، پولک ها و پاگون ها و حمایل شاهانه خود را برای ازدواج آماده می کرد.

برای رفتن عروس از کاخ گلستان تا کاخ مرمر زن ها، مردها و بچه ها را جمع کرده بودند تا برای شاه و ملکه ی نوعروس هورا

بکشند.

شاه در اولین فرصت برای مسافرت به غرب به ثریا گفت: یک مجموعه لباس بسیار مجلل برای خودتان سفارش بدهید. هر چه مجلل تر بهتر. این زرق و برق ها و تجملات، زمانی در دربار پهلوی حاکم بود که ثریا، تنها پرورشگاه پایتخت را این گونه توصیف می کند:

«بچه هایی را می بینم که تمام بدنشان پوشیده از چرک و دمل است، زمستان است و بخاری ندارند. دفتر پرورشگاه را مطالبه می کنم و با وحشت متوجه می شوم که بسیاری از دختر بچه ها و پسر بچه هایی که نام نویسی شده اند دیگر زنده نیستند. میزان مرگ در این خانه ی مرگ به مراتب بیشتر از خانه ی سالمندان است.»



ازدواج با فرح دیبا

سومین جشن عروسی شاه (آذر ۱۳۳۸) یعنی ازدواج با فرح به داستان های افسانه ای تاریخ باستان بیشتر شباهت داشت. شاه نیز پس از خواستگاری، در مورد مراسم عروسی به فرح گفت: عروسی باید در حد پادشاه یک مملکت باستانی باشد و فرح این دخترک تازه به دوران رسیده که خیاط های ایرانی را مناسب ندید، تصمیم گرفت لباس عروسی خود را در پاریس تهیه نماید! فرح که در آستانه ی ملکه شدن ایران قرار گرفته بود و عکس وی در بیشتر مجلات فرانسوی به چشم می خورد، تصمیم داشت با سر و وضعی مناسب در انظار ظاهر گردد؛ لذا ابتدا «به آرایشگاه معروف کارتیه رفت» و پس از آرایش از آرایشگرهای این آرایشگاه دعوت کرد برای آرایش او به تهران بیایند. فرح از تجارتخانه ی معروف کریستین دیور، لباس، کفش، دستکش، زیرپوش و جواهر خریداری کرد و مسئولان خرید، همراه فرح یک روز وی را به فروشگاه معروف در پاریس که فقط لباس های عروسی برای خانواده های اشرافی اروپایی می دوخت، بردند و لباس عروس برای وی اندازه و دوخته شد. از فرانسه چند نفر به عنوان طراح مجلس عروسی و مشاور جشن به ایران دعوت شدند به نحوی که یکی از آن ها به نام کلود بلوند بود که شهرت جهانی داشت.

سرانجام فرح به ایران بازگشت و مراسم آغاز شد. خیاط خانه ی کریستین دیور دو نفر از زبده ترین خیاط های خود را به تهران

فرستاد تا لباس عروسی فرح را در تهران آزمایش کند. چهار آرایشگر نیز از آرایشگاه کارتیه به ایران آمدند تا دو نفر آن ها فرح را آرایش کنند و دو نفر دیگر کار آرایش نزدیکان عروس و خواهران شاه را نظارت کنند. برای تزیین زنان دربار و فرح بعضی از جواهرات از خزانه ی بانک مرکزی بیرون آورده شد تا در مراسم از آن ها بهره برداری شود و دو کارگردان متخصص برجسته ی برگزاری جشن ها نیز بر تشریفات نظارت می کردند. یک هواپیمای اختصاصی پیاپی میان تهران و پاریس پرواز می کرد. تا لوازم مورد نیاز مجلس جشن را به تهران بیاورند و گاهی اوقات به خاطر آوردن یک نوار خیاطی که در تهران هم موجود بود، یک هواپیما را به فرانسه می فرستادند تا یک قطعه نوار بیاورد!

وزارت دربار طی یک اطلاعیه اعلام کرد: مراسم عروسی در ۲۹ آذر برگزار خواهد شد. در این چند روز سرتاسر ایران را چراغانی و ادارات دولتی را به جشن مجبور کردند. روز موعود فرا رسید و با حضور نمایندگان و سفرای جهان، مراسم شاهانه به عمل آمد. مطبوعات با چاپ عکس های مختلف و نوشتن مقالات در اوصاف عظمت خاندان فرح و درج شجره نامه های مختلف، ده ها سمت به پدران اعطا کردند؛ ولی در آن سوی مرزها روزنامه های چپ گرا شروع به انتقاد نمودند. طبق گزارش ساواک، موضوع «۵۰۰ هزار دلار»ی که شاه در اختیار فرح برای خرید لوازم عروسی گذاشته و اینکه «برای دوخت لباس فقط مبلغ یک میلیون فرانک به مؤسسه ی کریستین دیور پاریس پرداخت شده»، موضوع روزنامه های متمایل به چپ در خارج از کشور شد تا جایی که مطالب زننده ای علیه ازدواج ملوکانه و مخارجی که در این مورد می شود به چاپ رسید.

رژیم شاه برای مشروع جلوه دادن مراسم پرزرق و برق عروسی نویسندگان چاپلوس را به استخدام درآورد تا به داستان سرایی بپردازند و نشان دهند در دربار هخامنشیان نیز جشن های عروسی مجلل برقرار می شده است. تجملات و زرق و برق های شاهانه به جشن عروسی ختم نمی شد. شاه و فرح در مراسم تاج گذاری و جشن های ۲۵۰۰ ساله ی شاهنشاهی با تاج و نیم تاج طلا مزین به یاقوت و زمرد و لباس های پرزرق و برق، چشم دنیا را خیره کردند و در این بین دولتمردان موظف بودند که هنگام حضور شاه لباس های زربفت تجملاتی که یادآور شوالیه های قرن پانزدهم انگلیس بود، بپوشند. شاید باورکردنی نباشد که حتی دستگیره ها و داشبورد اتومبیل های شاه نیز از طلا ساخته شده بود، تا مناسب دربار افسانه ای شاه باشد.

منابع:

- ۱- مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران، تهران: علمی، ۱۳۷۴.
 - ۲- هدایت، مهدیقلی. خاطرات و خطرات، تهران: زوار، ۱۳۷۵.
 - ۳- اسفندیاری، ثریا. کاخ تنهایی، ترجمه نادعلی همدانی، تهران: مترجم، ۱۳۷۰.
 - ۴- ایرملو پهلوی، تاج الملوک. خاطرات ملکه پهلوی، تهران: به آفرین، ۱۳۸۰.
 - ۵- دیبا، فریده. دخترم فرح، ترجمه الهه رئیس فیروز، تهران: به آفرین، ۱۳۸۱.
 - ۶- پهلوی، محمدرضا. ماموریت برای وطنم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۳.
- *حسینیان، روح الله. چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/27515/پهلوی-محمد رضا-گانه-سه-های-دامادی-تصاویر/27515>